

دو تعریف از حزب

۱- حزب گروه شهروندان با آرمانهای مشترک و تشکیلات منظم و متکی به پشتیبانی مردم است که برای به دست گرفتن قدرت دولتی یا شرکت در آن مبارزه می کند.

۲- حزب تشکیلات گروهی افراد یک کشور است که چه به صورت قانونی و چه به صورت غیرقانونی با اتکا به مرام و هدفی واحد خواستار در دست گرفتن یا شرکت در قدرت کشورند و می کوشند مردم را در جهت پشتیبانی از آرمانهای خود بسیج کنند.

طبقه بندی احزاب

برای حزبها به لحاظ شناختن سرشت آنها طبقه بندی هایی قائل شده اند. یکی از انواع آن حزب های شخصی است که شخصی آن را بنا می نهد. در ایران نمونه این حزب را حزب دمکرات قوام السلطنه می دانند که شرح آن در تاریخچه آمده است.

یک نوع دیگر حزب نیز، حزبهای موسمی و فصلی است. چرا که بر اثر اتفاقات که در عرصه سیاسی پیش می آید، بروز می کنند. انتخابات یکی از آن موارد به حساب می آید. ولی این نوع حزب معمولاً "در کشورهایی سر برمی آورد که در آنها آزادی انتخابات وجود ندارد. نمونه این احزاب را نیز در تاریخچه خواهند یافت.

دیگر از انواع حزبها، حزبهایی است که براساس مرام و مسلک به وجود می آید و دارای ساختمان ایدئولوژیک است. این دسته از حزبها، حزبهای واقعی به شمار می روند و در ایران نمونه آن را می توان حزب توده دانست.

حزبها را براساس راست و چپ بودن آنها و نیز بر مبنای چگونگی پیدایش آنها نیز طبقه بندی می کنند. (در نوشتن این مختصر جای جای از کتاب مبانی سیاست انتشارات توسل استفاده شده است.)

رشته های علوم اجتماعی و سیاسی که آموزش سیاسی بیشتر از رشته های دیگر است و همچنین در رشته علوم سیاسی که متخصص علم سیاست پرورده می شود، آموزش در بهترین موقعیت کتابی است و دانشجوی دور از زندگی اجتماعی و سیاسی می زید که در جامعه به وقوع می پیوندد، ولی حزب بی گمان کانون آموزش سیاسی موثر است. امروزه در جهان اغلب حزبهای مهم و ریشه دار آموزشگاهها و سازمانهای آموزشی ویژه شان را دارند و در این آموزشگاهها اعضا و پیروانشان را آموزش می دهند.

علاوه بر این حزب را یک مکتب اخلاقی نیز بشمار آورده اند. از آنجا که حزب در هنگام رسیدن به قدرت وعده ها و برنامه هایی را اعلام می کند که خود را ملزم به رعایت آنها می شناسد وفاداری به وعده و برنامه های اعلام شده نوعی آموزش اخلاقی نیز به حساب می آید. امروزه بیشتر احزاب در سیزمینهایی که حزب به مفهوم راستین کلمه در آنها وجود دارد، همواره چنین برنامه هایی را اعلام و آنها را رعایت می کنند.

انضباط نیز یکی دیگر از دستاوردهای حزب به شمار می آید که با انضباطی که در مدرسه آموخته می شود متفاوت و از آن بسیار عملی تر است. چرا که بدون انضباط هیچ پیروزی ای برای احزاب قابل تصور نیست.

نظریه حاکمیت ملی را به عرصه عمل نزدیک گردانند. سودمندیهای حزب هم همه از این فرصتی که در اختیار مردم قرار می گیرد ناشی می شود.

سیاست شناسان عقیده دارند که جریانهای سیاسی در جامعه غیرمتمرکز و پراکنده است. این حزب است که می تواند به آن سازمان دهد و آن را از صورت سیاست خرد به صورت سیاست کلان درآورد. حزب با گرد آوردن نیروهای فردی و سامان بخشیدن به آن قدرت و نفوذ بزرگ به وجود می آورد. فرد که در برابر دولت تنهاست با پیوستن به حزب از تنهایی به در می آید. این نیاز ایجاد ارتباط با دیگران و خارج شدن از تنهایی انگیزه مهمی برای شکل و تحزب است. بدین ترتیب حزب فرصت می یابد از نیروهای فردی یک جریان سیاسی بسازد و به نیروهای پراکنده سازمان دهد تا در مواقع لزوم از جمله در انتخابات از آن بهره برداری کند.

علاوه بر وظیفه سازمان دهندگی حزب وظایف آموزشی و اخلاقی نیز دارد. عبدالحمید ابوالحمید در این باره می نویسد: "بطور کلی دبستان، دبیرستان، دانشگاه، و دیگر نهادهای آموزشی، آنچه که می آموزند غیر سیاسی است و برنامه های "آموزش مدنی" از حدود کلیات بیشتر نمی رود. در دانشگاه در

ایجاد شد. علت مخفی بودن این تشکیلات استبداد حاکم در ایران سالیهای پایانی سلطنت ناصرالدین شاه بود. جهت انتخاب نام "الله" برای آن حزب آن بود که قبلاً "به ملوک اتهام با بی گری زده شده بود، او تحت این نام و با تبلیغ خداپرستی و تظاهر به اسلام کوشید تا ظاهری اسلامی به جریان سیاسی خود بدهد. در پرتو همین شعار، ملوک از روحانیون ایران دعوت کرد تا نهضت نوین را رهبری کنند. این که بسیاری از علمای حاضر در جنبش مشروطیت که ده سال بعد از مرگ ناصرالدین شاه به راه افتاد متاثر از نظریات ملوک بودند، نشان می دهد که او در این نشانه گیری بیراه ترفته بود.

فراوان نوشته شده که میرزا ملک خان وقتی "فراوشخانه" را به عنوان یک انجمن مخفی در ایران دایر کرد و پس از آن که مجمع آدمیت را بی ریخت، نظر او به تشکیل یک حزب سیاسی مخالف دیکتاتوری بود. برای این ادعا، دلایل و مستندات هم در دست است. از آن جمله نوشته های خود ملوک که مدعی شده است که نقش حزب مخالف دولت را ایفا می کند، و حتی آن مجمع را "حزب الله" نامیده است. اگر این مستندات را بپذیریم، ناگزیر باید گفت در همان دورانی که با گسترش ارتباطات ایرانیان با اروپا جرقه های ترقی خواهی و اصلاح طلبی در دلها زده می شد، نخستین حزب در ایران، به صورت یک تشکیلات مخفی



تاریخچه احزاب

در ایران

گفتگو با مهندس بازرگان و دکتر یزدی



حاکمیت ملی بدون وجود احزاب قابل تصور نیست

رهبری جاما به سئوالات آدینه پاسخ گفتند. سئوالات به صورت کتبی در اختیار آنان قرار گرفت و پاسخها به صورت کتبی دریافت شد تا از هرگونه اشتباه یا سوء تفاهم جلوگیری شده باشد. مهندس بازرگان و دکتر یزدی (هر دو از اعضای گادر رهبری نهضت آزادی و جمعیت دفاع از آزادی) مشترکاً "پاسخ خود را در اختیار آدینه گذاشتند و دیگران هم بطور جداگانه.

در این شماره پاسخ مهندس بازرگان - دکتر یزدی و لطف الله میثمی را خواهید خواند. امیدواریم پاسخ دکتر پیمان را که بنا به عللی از جمله تنگی جا در این شماره نیامده، در شماره‌های آینده انتشار دهیم.

برای نظرخواهی از شخصیت‌های حزبی و سیاسی آدینه سئوالات خود را با کسانی در میان گذاشته است که در طول ده سال اخیر در عرصه سیاسی ایران فعال بوده و پس از اعلام وزارت کشور دایر بر اجرای قانون احزاب و نام‌نویسی از حزبها و جمعیتها و... حزب و جمعیت آنان برای ثبت نام به این وزارتخانه مراجعه کرده‌اند. از آن میان در فرصت کوتاهی که وجود داشت آقای مهندس بازرگان نخست وزیر دولت موقت و رهبر نهضت آزادی ایران، دکتر ابراهیم یزدی وزیر خارجه دولت موقت و از اعضای گادر رهبری نهضت آزادی و جمعیت دفاع از آزادی و لطف الله میثمی از اعضای گادر رهبری نهضت مجاهدین خلق ایران و همچنین آقای دکتر پیمان از اعضای گادر

حسینعلی ادیب بهبهانی، میرزا آقا اصفهانی (معروف به محاهد)، مجدالاسلام کرمانی. در راس این عده سید محمد طباطبائی و ناظم - الاسلام کرمانی (صاحب تاریخ بیداری ایرانیان) قرار داشتند.

چند ماهی بعد از تاسیس این انجمن، انجمن ملی با ۶۰ عضو تشکیل شد. هر دو این انجمن‌ها ایجاد اتحاد و اتفاق بین سید عبدالله بهبهانی و سید محمد طباطبائی را هدف خود قرار دادند. از اعضای موثر انجمن ملی می‌توان از ملک‌المتکلمین، میرزا جهانگیر خان (صوفا سرافیل)، سید محمد رضا مساوات، بحیی دولت‌آبادی و برادرش علیمحمد دولت‌آبادی، خاتم سیاح، میرزا علی اکبر ساغمتساز، ذکاءالملک

فرانسه که الگوی بسیاری از سران مشروطه خواه بود نیز به باری همین نوع انجمن‌های سری یا گرفت و به ویژه از سال ۱۸۱۵ (شکست ناپلئون) تا ۱۸۴۸ (برافتادن سلطنت در فرانسه) این انجمن‌های انقلابی و مخفی فعالیت بسیار داشتند.

اولین انجمن مخفی که تاریخ ثبت کرده، به پیشنهاد سید محمد طباطبائی در ۱۳۲۲ قمری تاسیس شد. اعضای این انجمن خود را "فدائی" می‌خواندند، هدفشان برقراری عدالتخانه در ایران بود. اعضای اصلی این انجمن، بنا به نوشته چندتن از موسسان آن عبارت بودند از: شیخ محمد شیرازی ذوالریاستین، سیدبرهان خلخالی، شیخ

در سالهای پایانی سلطنت ناصرالدینشاه همه نوع فعالیت سیاسی ممنوع بود، ولی با مرگ او یکباره از همه سو، شعله‌های آزادیخواهی برخاست. در آن زمان، حزب به معنای امروزی آن انجمن - و گاهی پارتی که به انگلیسی حزب معنا می‌دهد - خوانده می‌شد. چنین بود تا بعد از سقوط محمد علیشاه که برای نخستین بار - اگر حزب الله ملک را به حساب نیاوریم - "حزب" در ایران تاسیس شد.

انجمن‌های دوره مظفردالدینشاه، ابتدا همگی مخفی بودند و به احزاب سیاسی اروپا شباهتی نداشتند، بلکه بیشتر به انجمن‌های سری و سیاسی قرون وسطای شرق شبیه بودند. البته باید فوراً "به یاد آورد که انقلاب کبیر

سوالهای آدینه

- ۱- نظر شما درباره قانون احزاب چیست و این قانون تا چه حد می تواند پیدایش و فعالیت نظام چندحزبی در صحنه سیاسی ایران را تضمین کند .
- ۲- اگر قانون احزاب به درستی اجرا شود و احزاب به وجود آیند به پیش بینی شما چه تغییراتی در صحنه سیاسی ایران پیش خواهد آمد .
- ۳- با توجه به اینکه از سال ۱۳۴۲ به بعد جز در دوره کوتاهی پس از انقلاب اسلامی، احزاب گوناگون در صحنه سیاسی ایران فعال نبوده اند و از این رو مردم با فرهنگ تحزب آشنا نیستند و مدیریت سیاسی جامعه با احزاب روبه رو نبوده است به نظر شما آزادی احزاب اگر به وقوع پیوندد چه مسائل و نتایجی را به بار خواهد آورد .
- ۴- برای اینکه فضای سیاسی ایران بتواند چندحزبی را در سیاست تحمل کند دولت به عنوان مدیر و مسئول جامعه چه باید بکند و چه امکاناتی را باید در اختیار احزاب گذارد .
- ۵- برداشت شما از حرکت اخیر دولت در اجرای قانون احزاب چیست و با توجه به بافت سیاسی جامعه آیا سیستم چندحزبی در ایران امکان پذیر است و احزاب می توانند بصورت نهادی در جامعه ایرانی دوام یابند .
- ۶- چرا در گذشته احزاب سیاسی نتوانسته اند بطور جدی و به صورت نهادی در جامعه ایرانی عمل کنند .
- ۷- به چه دلایلی حزب و جمعیت شما نتوانست در صحنه سیاسی ایران برنامه های خود را اجرا کند .

پاسخ مهندس یازرگان و دکتر یزدی

و ثبات سیاسی را خواهد دید . در کوتاه مدت نیز امید آنکه اوضاع رو به آرامش و اصلاح برود و ملت رفته رفته احساس حاکمیت و تعهد بنماید ، هست . بدیهی است که لازمه تحقق این پیش بینی ها و روی دیگر سکه این است که خود ملت نیز خواهان آزادی و شخصیت و حاکمیت ملی باشد ، رو به احزاب و تشکل و انضباط بیاورد و قبول حرکت و زحمت و فداکاری بنماید .

با وجود این اگر همین قانون احزاب آنطور که تصویب شده است و نایه حال از اجرای آن تعدد شده است با حسن نیت از طرف دولت اجرا شود و آیین نامه ها یا دخالت ها و خودسری ها آن را منحرف و مسأله سازد و از طرف احزاب نیز افراط و تفریط در میان نیاید ، دلیلی ندارد که نظام چندحزبی در صحنه سیاسی ایران حاکم نگردد .

۱- قانون احزاب ، مصوبه مجلس در سال ۶۰ ، در مجموع مترقی است . البته ایرادهایی بر آن وارد است . به عنوان مثال ، اصل ۲۶ قانون اساسی فعالیت احزاب سیاسی را آزاد اعلام نموده است مشروط بر آنکه اصول استقلال ، وحدت ملی ، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند . قانون احزاب می بایستی حداکثر این موارد نقض را تبیین می نمود ، نظیر آنچه در ماده ۱۶ قانون مصوب آمده است . اما قانون اساسی به دولت اجازه نمی دهد احزاب را مجبور به ثبت نام و کسب پروانه نماید .

۲- اگر قانون احزاب به درستی اجرا شود و به موازات آن خود قانون اساسی و انتخابات آزاد رعایت شود ، کشورمان به احتمال قوی در درازمدت روی آزادی و حاکمیت ملت و استقلال و شکوفایی استعدادها و آبدادی

۳- همانطور که در بالا گفته شد مسئله حضور و خاصیت احزاب یک معادله دوطرفه است . تنها با تصمیم و حسن نیت دولت (که کمتر هم تحقق پیدا می کند) درست نمی شود .

از این تاثیر را در تاسیس حزبی همسویا سوسیال دموکراسی به نام حزب اجتماعيون عاميون (ترجمه کلمه به کلمه سوسیال دموکرات) می توان دید . ارتباط سوسیال دموکراتها با ایرانیان ، به ویژه استبداد صغیر (دوران محمدعلیشاه) مفید افتاد . دونفر از سوسیال دموکراتهای باکو نریمان اوف و محمدامین رسولزاده در تاسیس حزب اجتماعيون عاميون نقش موثری داشتند . حیدر عموافلی که در جریان انقلاب ایران ، با انفجارها و ترورهای پرسروصداش نامی مشهور شده بود و انجمن غمیبی را در تبریز بنا نهاده بود حزب اجتماعيون عاميون را در ایران تاسیس کرد .

و ملی) نقش موثری داشتند ، ولی منسجم نبودند . در حوادث مقدماتی نهضت مشروطه ضرورت تاسیس یک تشکیلات سیاسی منظم خود را نشان داد . چنین بود که سید محمد طباطبائی در همان سالی که فرمان مشروطیت صادر شد (۱۳۲۴ قمری) انجمن مخفی ثانی را پی ریخت که فعالیت چندانی نکرد ، ولی " کمیته انقلاب " انجمن ملی موق بود . این کمیته در روزهای بعد توانست خود را با حزب همت که توسط سوسیال دموکراتهای روسیه به وجود آمده بود ، مرتبط کند (۱۹۰۵ میلادی) . ارتباط کمیته انقلاب انجمن ملی با سوسیال دموکراتهای باکو ، تاثیر مهم و مستقیمی در روند انقلاب مشروطیت ایران داشت . وجهی

(پسر محمدعلی فروغی) و یحیی میرزا (اسکندری) نام بود . این انجمن ، یک کمیته انقلاب با ۹ عضو تشکیل داده بود که در جریان مشروطیت ، فعالیت گسترده ای داشتند . این ۹ نفر عبارت بودند از : ملک المتکلمین ، سید جمال واعظ ، محمدرضا مساوات ، سلیمان میکده ، یحیی دولت آبادی ، نصرت السلطان ، شیخ الرئیس ، سید ابوالحسن خرقانی ، میرزا محسن .

در حوادث بعدی ، استفاده و جنجال از عکس نوز بلژیکی در بالماسکه سفارت بلژیک ، چوب زدن تخراب توسط علاءالدوله حاکم تهران و ... به راه انداختن علما و مردم و تحضن در حضرت عبدالعظیم این دو انجمن (مخفی

اصل و اساس خود احزاب اند. و پشت سر احزاب ملت و مردم. سرخوردگی ملت ایران از احزاب یک واقعیت است ولی نه به آن شدتی که دولت‌های انحصارگر به منظور تسلط و تحمیل خودشان آن را جلوه می‌دهند. علاوه بر این ایرانیان، حتی روشنفکران ما، نه تنها با تحزب آشنا نیستند (یعنی کم آشنا هستند) بلکه ضرورت و مفهوم آزادی را هم خوب درک نکرده‌اند و بعضی‌ها معتقد به آن نیستند. ملت‌های غربی چون احساس ناراحتی و عصبانیت از ظلم اربابها و حکام کرده بودند و از طرف دیگر در اثر رشد برای خود احساس ارزش و حق زندگی و آزادی می‌کردند، علیه استبداد و استثمار به صدا درآوردند و شورش کردند تا خودشان مالک و حاکم شوند. در ایران و کشورهای عقب‌نگهداشته شده، که از دو سه قرن پیش در تماس و برخورد با اروپائیان کم‌وبیش بیدار شدند، و چشمشان به درخت

● ما ایرانیان باید بپذیریم آزادی نه گرفتنی و نه دادنی بلکه یادگرفتنی است.

● حضور احزاب یک معادله دوطرفه است، تنها با تصمیم دولت درست نمی‌شود، اصل و اساس خود احزاب اند و پشت سر احزاب ملت و مردم.

آزادی و حاکمیت قانون و مردم و نتایج نیکوی آن افتاد بیش از هر چیز خواهان و عاشق میوه‌های درخت شده و عنایت چندان به تنه و شاخ و برگ درخت و مخصوصاً به ریشه‌های رشد کرده و پنهان در زیر خاک، نکردند. از راه هوس و تقلید خواسته‌ام ادای دموکراسی

بزودی اجتماعيون عاميون در سراسر ایران اعضا، تشکيلات و علاقمندانی یافت از جمله کمیته‌ای که ملکا الشعرای بهار نیز عضو آن بود در مشهد تاسیس گشت. ظاهراً "تصمیم به تروار اتانک در حوزه" مخفی این حزب گرفته شد.

فرزند ملکا المتکلمین در تاریخی که بعدها نوشت اسامی اعضای این کمیته را که هدفشان تحکیم مشروطه و مجلس بود چنین ثبت می‌کند: ملکا المتکلمین، سید جمال واعظ، میرزا جهانگیرخان، مساوات، تقی‌زاده، حکیم-الملک، خلخالی، سید جلیل اردبیلی، سلیمان میکده، حسینقلی نواب، علی‌اکبر دهخدا، میرزا ابراهیم، داود علی‌آبادی، ادیب‌السلطنه

و قانون‌سالاری را در پیماوریم. قلمه‌ها و نهالهای بارگ و میوه ولی بی‌ریشه را از خارج وارد کرده، در زمینمان کاشته‌آبی هم بایش ریخته‌ایم ولی بزودی با وزش باد و خشکی هوا خوابیده و خشک شده است. غالباً "پدیده با درخت آزادی درجهت معکوس و وارونه در کشورهای رشدنیافته رخ داده یا روئیده است. مسائل و نتایج ناگواری که هر بار نسیم آزادی یا هوس آن به وجود آورده است از واقعیت فوق سرچشمه می‌گیرد. اما خوشبختانه جنبش‌های فکری و سیاسی و آزمایش‌های مکرر از توالی آزادی و استبداد و حاصل تجربه‌های بدست‌آمده از انقلاب مشروطیت تا انقلاب ۲۲ بهمن ۵۷، این شده است که اگر چه موقتا" اسم و رسمی از آزادی و قانون شنیده و بلافاصله دچار اختناق و انحصار شده است اما ملت شانس و امکان آن را پیدا کرده است که در هر افت و خیزی عملاً "و نظراً" درسی بگیرد و به کار بندد.

حال اگر آزادی احزاب به وقوع بپیوندد، که مسلماً به صورت کامل و ایدآل نخواهد بود، ولی باز هم خوب است. امید می‌رود که به شرط همت و وحدت مردم وضع بهتر از گذشته نصیب ملت و مملکت گردد.

آزادی احزاب نباید یک هدف نهایی تلقی گردد. بلکه باید به عنوان وسیله‌ای که مردم و دولت را برای همکاری اجتماعی و تحمل افکار و اندیشه‌های متفاوت و متضاد آموزش می‌دهد تلقی نمود. علاوه بر این تحزب و فعالیت حزبی باید به عنوان ابزارهایی جهت آموزش مردم در جهت اداره امور خود و مشارکت دسته‌جمعی در سرنوشت جامعه تلقی شود و بعضی از سروصداها و بی‌نظمی‌های اولیه نیز تحمل گردد.

اصولاً "حاکمیت ملی یا حکومت شورایی مردم بر مردم" که توصیف و توفیق قرآن از یک جامعه ایمانی و برای رسیدن به امت واحد

(حسین سمعی) ، نصرت‌السلطان و معاضد-السلطنه .

با شروع مجلس اول، تعداد انجمن‌ها نیز فزونی گرفت، به ویژه از آن‌رو که طبق قانون اساسی تشکیل انجمن‌های سیاسی نیز قانونی شد. در مدت کوتاهی تعداد آنها به ۱۰۰ تا ۲۰۰ رسید. بعضی از آنها که فعالیت‌هایی داشته و نامشان در تاریخ مانده عبارت بودند از انجمن‌های: اصفهانی‌ها، شیرازی‌ها، ستار، انصار، جهانگیر، جنوب، تبریز، سنگلج آذربایجان، انسانیت (از مجموع نفرشی‌ها و آشتیانی‌ها و ...)، ورامین، آل محمد، فتوت، خدمت (یا اکابر)، برادران دروازه قزوین، شاه‌آباد، مظفری، طلاب،

فهرست احزاب، جمعیتها و گروهها از دوره مشروطه تا امروز

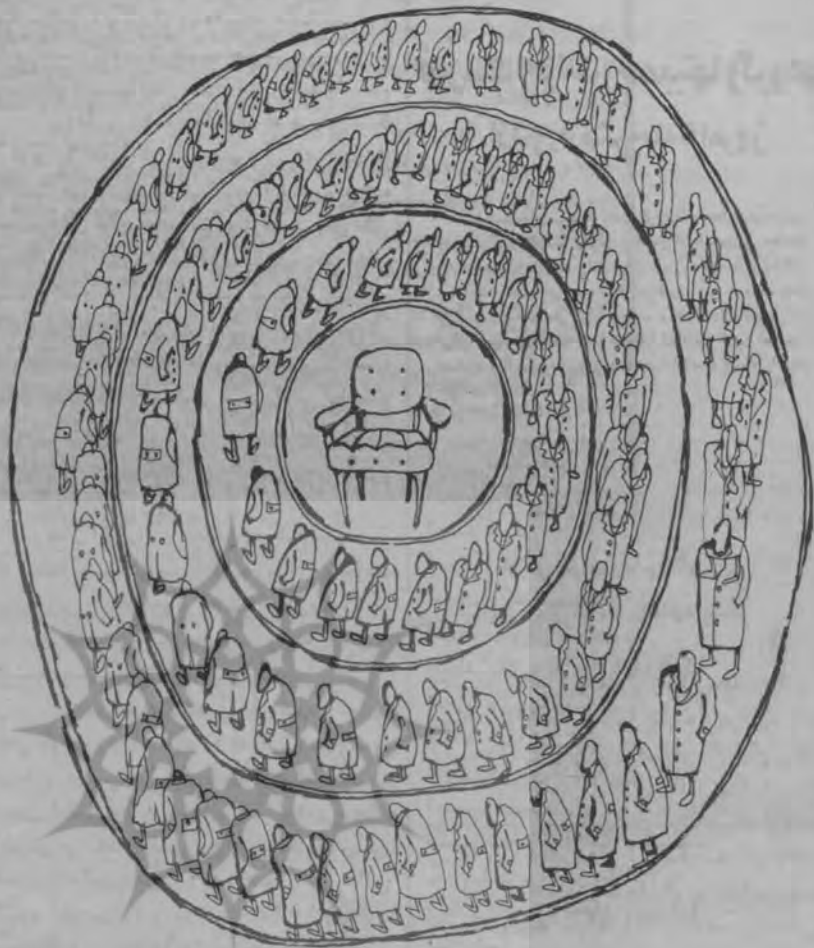
شناسنامه حزبها، سازمانها، گروهها و جمعیت‌های سیاسی از زمان مشروطه تا ۱۳۶۵ را که در کتاب مبانی سیاست (عبدالحمید ابوالحمد / انتشارات توس / چاپ سوم / ۱۳۶۵) گرد آمده است، در اینجا نقل می‌کنیم. این فهرست بیش از هر چیز نشانه عمر کوتاه احزاب و جمعیت‌های سیاسی در ایران است. بیداد است که با اجرا گذاشتن قانون احزاب، تعدادی از این حزبها و جمعیتها فعالیت خود را از سر خواهند گرفت.

- آرمان مستضعفین
- اتحاد برای آزادی
- اتحاد کارگر
- اتحاد انقلابی برای رهایی کار
- اتحادیه کمونیست‌های ایران
- اتحاد مبارزان کمونیست
- اتحاد مبارزه در راه طبقه کارگر
- اتحاد ملی زنان
- اتحاد جبه
- اتفاق جوانان اشتراکی
- انجمن خجسته
- انجمن دفاع از آزادی مطبوعات
- بنیاد اسلامی نصر و فتح
- تشکيلات پیشمرگه‌های زحمتکشان
- پسادیست
- حامه حقوق‌دانان اسلام
- جبهه آزادی مردم (جامی)
- جبهه دموکراتیک
- جبهه مؤتلف احزاب آزادخواه
- جبهه وحدت ملی ایران

فاطمیه و الهی ...

انجمن‌های انصار و جنوب بعداً" به انجمن مخفی ثانی که سید محمد طباطبائی ایجاد کرد پیوستند. انجمن فعال آذربایجان ابتدا به ریاست مرتضوی و بعداً" تقی‌زاده و معاضدالسلطنه تشکیل شد. مجمع یا انجمن انسانیت را مستوفی‌الممالک راه می‌برد. انجمن آل محمد به ریاست سید ابوالقاسم یکی از پسران سید محمد طباطبائی راه می‌رفت. انجمن فتوت را ظفرالسلطنه ریاست می‌کرد و انجمن خدمت (یا اکابر) به پایمردی امیراعظم (برادرزاده امین‌الدوله) حسینقلی نواب، احتشام‌السلطنه و علاءالدوله تاسیس شد. انجمن برادران دروازه قزوین سلیمان میرزا

الهی چنین است)، اگر خواسته باشیم تحت نظام و ضابطه و خالی از هرج و مرج و خرابی باشد بدون وجود و عمل احزاب قابل تصور نیست، بنگاه مبلسون نقر مردم ایران که نمی توانند تک تک آنها در کلیه امور مملکت نظارت و دخالت داشته باشند و چون همگی صاحب سلیقه و نظر و خواست یکسان و مشترک نیستند ناگزیر باید واحدهای اجتماعی متشکل و مجهز و معدودی به نام حزب یا جمعیت و انجمن به نمایندگی از گروههای اجتماعی و سلیقه‌ای و سیاسی یا تخصصی عهده‌دار وظیفه نظارت و ارشاد و انتقاد دولت‌ها (که در اصطلاح قرآن امر به معروف و نهی از منکر نامیده می‌شود) و احياناً "قبول خدمت و همکاری گردند، شهروندان یک کشور برای ادای وظیفه نظارت، حکومت و خدمت در اداره اجتماع راهی جز از طریق احزاب و واحدهای متشکل ندارند. البته به دلیل فرهنگ سنتی مبتنی بر فردیت و تفرق و کثرت نباید انتظار حزب واحد و حتی سیستم دوحزبی را داشت بلکه در ابتدای کار و شاید تا چندین سال طبیعی و لازم خواهد بود که احزاب متعدد و کم و بیش مستقل وجود داشته باشد.



۴ - خود دولت است که با خط و خطوطش فضای سیاسی ایران را درست می‌کند و خود دولت است که باید احزاب مختلف و مخصوصاً غیرموافقها و مستقل و ملی‌ها را تحمل کند. از دولت توقعی جز تحمل صادقانه احزاب و آزادی افکار آنطوری که قانون اساسی تعیین کرده است، نداریم. امکاناتی که باید بدهد در مرحله اول عدم مزاحمت و ممانعت رسمی و غیررسمی است و در مرحله دوم تضمین امنیت و در مرحله سوم اجاره دفتر و اجتماع

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

ضعیف شد، با این همه، پس از چندی کابینه سپهدار سقوط کرد و مستوفی الممالک به حکومت رسید که دمکراتها با او موافق بودند. اقدام برداشته این کابینه خلع سلاح مجاهدین بود که با حمله قوای مسلح به پارک اتابک همراه شد. اما کابینه مستوفی الممالک که به دمکراتها متکی بود دیر نپایید و با آمدن ناصرالملک نایب السلطنه به تهران سقوط کرد. ناصرالملک بعداً، "اعتدالیون و ترقی خواهان و اتحاد و ترقی را باهم ائتلاف داد و در ضمن پیشنهاد کرد که وکلا حزب و مردم خود را معین کنند که این بحث حتمالاً وسیعی به دنبال داشت. تعطیل مجلس دوم به دست ناصرالملک، به استبداد انجامید. سلیمان میرزا رئیس حزب دمکرات تبعید شد. فعالیتهای

روزنامه جنوب ارگان حزب ترقیخواه بیشتر به مسائل جنوب کشور متوجه بود و از این که در مجلس و مطبوعات همه نظرها متوجه شمال کشور (آذربایجان و گیلان) است انتقاد می‌کرد. در دوران تشکیل مجلس دوم از احزاب سوسیالیست، اجتماعون انقلابیون و سوسیال دمکرات نیز، در منابع باد می‌شود که چون و کیلی در مجلس نداشته‌اند، محل اهمیت نبودند. درگیری اصلی مجلس دوم بین حزب دمکرات به رهبری تقی‌زاده و حزب اعتدالیون بود که با ترور سید عبدالله بهمنیانی تقی‌زاده از ایران رفت و چون سلیمان میرزا، حانشین تقی‌زاده در ریاست حزب دمکرات نفوذ کلام و قدرت رهبری تقی‌زاده را نداشت، این حزب

(مخس) را به ریاست قبول داشت. این گروههای سیاسی هم طرفدار مشروطه بودند، اما در روزگار عمل انجمن ورامین (به ریاست اقبال‌الدوله) و انجمن‌های آل محمد، فتوت، سنگلج و خدمت انجمن مرکزی را تاسیس کردند که طرفدار محمد علی‌شاه، یعنی استبداد بودند. حزب دمکرات در مشهد، رشت، کرمانشاه، اصفهان، همدان، قزوین، ارومیه و تبریز تشکیلات و شعبات زنده و فعالی داشت. در مشهد روزنامه نوبهار، در تبریز روزنامه شفق، در رشت صدای گیلان، در اصفهان زاینده‌رود، در قزوین روزنامه قزوین و در ارومیه فروردین نشریات وابسته به این حزب بودند.

● از دولت توقعی جز تحمل صادقانه احزاب و آزادی افکار نداریم. امکاناتی که باید بدهد در مرحله اول عدم ممانعت، در مرحله دوم تضمین امنیت و در مرحله سوم اجازه دفتر و اجتماع و روزنامه و سایر تسهیلات است.

و روزنامه و سایر تسهیلات جاری که خود و طرفدارانش از آن‌ها استفاده می‌کنند. و بالاخره اینکه دولت خود را مجری قانون و خادم مردم بداند نه قیم و مالک آن‌ها.



۵ - حرکت اخیر دولت در اجرای قانونی که هفت سال از تصویب و ابلاغ آن می‌گذرد و ما همیشه تقاضا و اصرار بر اجرای آن را داشتیم چندان از روی صدق و صفا و احترام به قانون و حقوق ملت نبوده است، بلکه بیشتر مقتضیات و فشارهای داخلی و نیازهای دیپلماسی و مالی و فشارهای خارجی باعث این عقبگرد به سوی احزاب و ملت شده است.

دولت عدم اجرای قانون احزاب را معلول جنگ اعلام نموده است اما پس از آتش‌بس یا سخی برای عدم اجرای قانون احزاب وجود نداشته و ندارد. بخصوص که در داخل حاکمیت نیز جناحها و گروههایی مایل به تشکیل حزب هستند. اما قسمت دوم سؤال ناعدودی تکرار سؤال سوم است. همانطور که گفته شد پیدایش و پرورش و دوام احزاب هم با حسن نیت و ظرفیت ویا مشروعیت دولت ارتباط دارد و هم با رشد و پذیرش و اراده عمومی مردم، که احزاب باید معرفی و منبعث از آنها باشند.

ملت ایران اگر خواهان بقا و حظ از

دنیا و سعادت نهایی است چاره‌ای جز استقبال و اجرای آزادی و حاکمیت ملی را ندارد. به نظر می‌آید تجربه نزدیک به یکقرن اخیر و تجاربی که از تحولات سالهای گذشته و حال خودمان و سایر ملت‌ها آموخته‌ایم به ما فهمانده باشد که مابین استبداد و دیکتاتوری شخصی و صنفی با حاکمیت شورایی و مردمی قانون حدواسط وجود ندارد. اگر مردم (بر وفق یک قانون و نظام صحیح) حاکم و صاحب اختیار نباشند هر نوع حکومت و رهبری و مدیریت دیگر (ولو به نام‌های عدالت، ارشادی، انقلابی، حکومت صلحا یا حکومت... و غیره) دیر یا زود سر از استبداد و استثمار و استعمار و اسارت درمی‌آورد. و مردم و کشور را در تاریکی و بدبختی فرو برده به نابودی و بی‌شخصیتی سوق می‌دهد. ما ایرانیان باید بپذیریم آزادی نه‌گرفتنی است و نه دادنی بلکه یادگرفتنی است. تا نفس‌هایمان عوض نشود، آزادی و حاکمیت ملت تحقق نخواهد یافت. و تا این‌دو نباشد، هیچ‌گونه خواسته یا ارزش اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی یا اخلاقی و دینی (در ابعاد اجتماعی) تحقق و تضمین نخواهد یافت. آزادی و حاکمیت مآده آسمانی یا زمینی نیست که خدا یا دولت‌ها به ما اعطا یا التفات نمایند. خود ملت است که باید آن را بخواهد، بگیرد، بکار بندد، نگاه دارد و ثمربخشش سازد. ایران چاره‌ای و راهی جز این ندارد. باید خود را برای آن بسازیم و کاخ آزادی یا حیات و حیثیت را برای خودمان بسازیم.



۶ - در گذشته احزاب سیاسی نتوانستند به طور جدی و به صورت نهادهای در جامعه ایران عمل کنند چون همانطور که گفته شد نه درست درک ضرورت و کیفیت آن را کرده و

- جنبه ملی
- جمعیت آزادی
- جمعیت آزادی مردم ایران (حاما)
- جمعیت انقلاب سرخ ایران
- جمعیت ایرانی تعاون با فلسطین
- جمعیت بیداری زنان
- جمعیت ترقی خواهان ایران
- جمعیت راه آینده
- جمعیت حامیان صلح
- جمعیت زنان مبارز
- جمعیت عدالت
- جمعیت فدائیان اسلام
- جمعیت فدائیان
- جمعیت ملی انقلاب ایران
- جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران
- جنبش مسلمانان مبارز
- جنبش ملی مجاهدین
- حزب آزادگان
- حزب آزادی ایران
- حزب اتحاد برای آزادی
- حزب اتفاق و ترقی
- حزب اراده ملی
- حزب استقلال
- حزب اصلاح‌المسلمین
- حزب اصلاحیون اجتماعيون
- حزب انتقام
- حزب اجتماعيون عاميون
- حزب اعتدال ایران
- حزب اعتدالیون اجتماعيون
- حزب ایران
- حزب ایران نوین
- حزب برادران
- حزب پان ایرانیسم
- حزب ترقی خواهان
- حزب توده ایران
- حزب جمهوری اسلامی ایران

را که نامی داشت، بی‌توجه به دمکرات یا اعتدالی به حبس انداخت. مجموع این حوادث ترکیب احزاب را بکلی بهم ریخت. مجلس چهارم ترکیب تازه‌ای پذیرفت. مؤلفین قصر شیرین - دمکراتها و اعتدالی قدیم - حزب سوسیالیست را به راه انداختند که سلیمان میرزا و میرزا محمد صادق طباطبائی بانی آن بودند. باقیمانده دمکراتها در تهران و آنها که به نمایندگی مجلس چهارم انتخاب شده بودند، به اضافه تیمورتاش و نصرت‌الدوله فیروز که به فعالیت سختی در صحنه سیاسی مشغول بودند و حزب اصلاح طلبان را پایه گذاشتند که در مجلس چهارم اکثریت داشت. این همان مجلسی است که از سوی مطبوعات آزاد و کسانی چون عشقی به فراوانی دشنام

دولت موقت در تبعید انحامید و با شکست سلیمان میرزا عملاً هر دو حزب منحل شدند. اما در تهران، ۱۹ نفر از دمکراتهایی که به مهاجرت نرفته بودند، تشکیلات دمکرات را دوباره بهم پیوند دادند. هنوز شروع به کار نکرده، سید محمد کمره‌ای از زعمای دمکرات و مدیر روزنامه ستاره ایران انشعابی را شکل داد به عنوان دمکراتهای ضد تشکیلی (در مقابل دمکراتهای تشکیلی). مجلس سوم، در اوضاعی شلوغ، احزاب بهم ریخته، دولت‌های یکی دو ماهه طی شد. در اسفند ۱۳۹۹ حزب کمونیست ایران توسط حیدر عمواوغلی، پیشه‌وری، احسان‌اله‌خان، در بندر انزلی تاسیس شد.

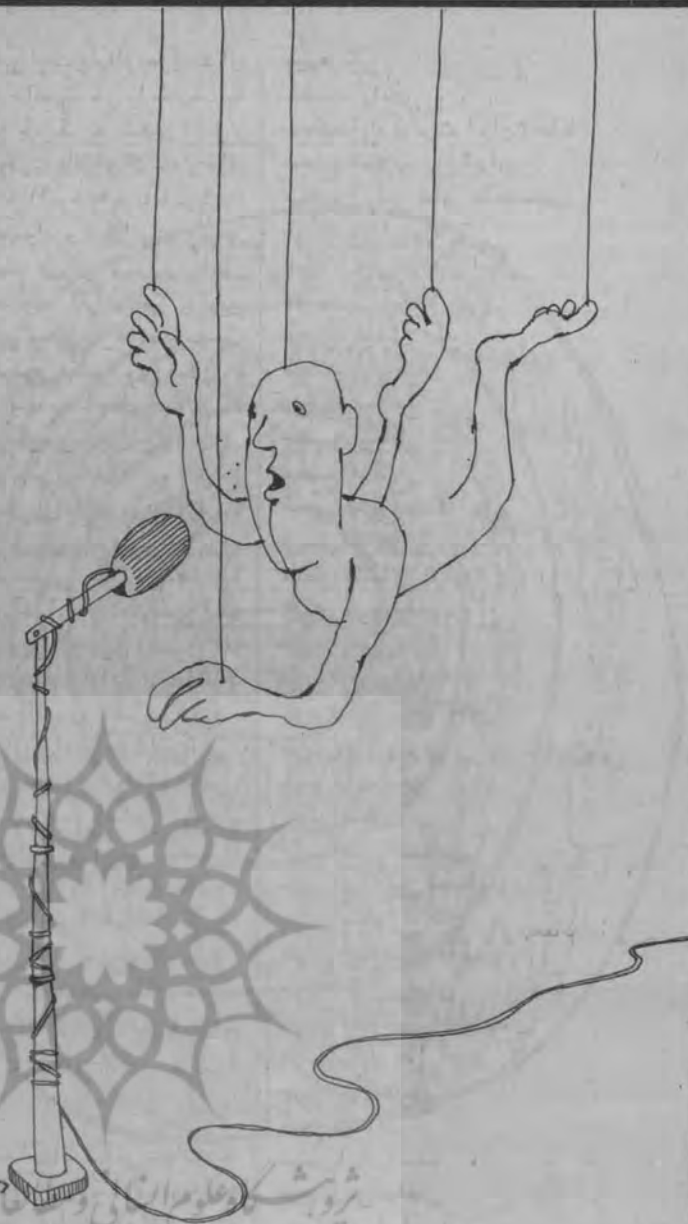
سیدضیا نخست‌وزیر کودتا، هر آن‌کس

حزبی تعطیل گردید، روزنامه‌ها بسته شد. جنگ جهانی اول پیدا شد. احمدشاه به سن بلوغ رسید و دوران استبداد ناصرالملک که انگلیس‌ها از آن حمایت می‌کردند و روسهای تزاری نیز در آخرین سالهای عمر خود موافق آن بودند، پایان گرفت.

در مجلس سوم، اکثریت با دمکراتها بود که در مجلس دوم جانفشانی کرده، تبعیدها دیده و در دید مردم به جهت موضع ضدارتجاعی و انتقادیشان محبوب بودند. در همان ابتدای کار اجتماعيون به دو گروه تقسیم شدند، روحانیون در یکطرف قرار گرفتند و گروه دیگر تحت عنوان آزادیخواه درآمدند. تاثیر حوادث آن زمان به اختلاف سلیمان میرزا رهبر دمکراتها و نظام السلطنه رئیس

طعم آن را چشیده بودیم و نه در راه تحقق و حفظ آن همت و همکاری و فداکاری لازم را به خرج دادیم. بسیاری از احزاب گذشته بمعنای صحیح کلمه حزب نبودند حالت انتفاعی شخصی یا فرمایشی داشتند. و اگر هم افرادی در گذشته دور هم یا بدور رئیس در چل سیاسی یا رهبری جمع می شدند بیشتر برای وکیل و وزیر و یککاره شدن بود تا تشکیل حزب مرادار و هدفدار خدمتگذار مردم یا یک مسلک و عقیده مقدس. غالباً "نیز با رسیدن یا نرسیدن به مقصد، خودبه خود تعطیل و تمام می شد یا در اثر اختلافات و اشکالات تدریجاً" خاموش می گشت. احزاب با هدفهای واقعی ملی یا اجتماعی یا دینی پاک، که بدون پشتیبان خارجی باشند چون نمی توانستند همفکر و همکار فداکار پیدا کنند و یا چون روح تشکل و تحمل جمعی در میانشان قوی نبود در برابر مشکلات و معارفتها مایوس و متفرق می شدند.

اصولاً "ملت ایران تکزیست یا فردی- مسلک و فردپرست است، که ۲۵۰۰ سال در نظام و فرهنگ استبداد شاهنشاهی بسر برده و آشنایی و سابقه لازم برای "خودمدیری" و زندگی جمعی را نداشته است. فرهنگ استبدادی، علیرغم مبارزه با مستبدین و سرنگونی مستبدها، همچنان در میان ماریشه دار است. این فرهنگ در تمامی شئون سیاسی و اجتماعی ما اثر گذاشته است و یکی از ریشه های فرهنگی عدم موفقیت فعالیت های جمعی، اعم از سیاسی و غیره آن در ایران می باشد. احزاب سیاسی هدفدار و مرادار ایران نیز نظیر بسیاری از تشکل های مردمی دچار فرهنگ استبدادی می شوند. به این معنا که سلطه طولانی فرهنگ استبدادی مردم ما را در رابطه با "قدرت" به دو گروه سلطه گر (Dominant) و سلطه پذیر و مطیع (Submisine) تقسیم



حزب کمونیست مرتبط بودند در همان ابتدای فعالیت به دام پلیس افتادند. اما، با سقوط دیکتاتوری رضاشاه و حمله متفقین به ایران، در زندانها باز شد و قلمها و بیان آزاد، بطور طبیعی از دل این آزادی، احزاب سیاسی زاده شدند. اولین و مهمترین آنها حزب توده ایران بود که در منزل سلیمان میرزا اسکندری، با حضور عده ای از ۵۳ تن (گروه آرائی) یا گرفت. این حزب در مدت ۷ سال فعالیت علنی خود چنان تشکیلات و سازمانی یافت که هرگز یک سازمان سیاسی به آن نرسید. در همان سالهای نخست، میتینگها، باشگاهها، جمعیت های فرعی این حزب و روزنامه های متعددی و نفوذی که بین جوانان و کارگران داشت، رجال و دستگاه

تجدد، آزادیخواه، اقلیت، تکامل، ملیون و منفردین. ولی در عمل فقط "اقلیت" در مقابل دولت سردار سپه ایستاده بود، بقیه فراکسیونها تن به او و امواجی سپردند که سردار سپه را به سلطنت می برد.

با آغاز دوران سلطنت رضاخان، احزاب یکی یکی به تاریخ سپرده شدند. در این میان، تیمورتاش به تاسیس حزب فراگیر "ایران نو" دست زد که در حقیقت کشاندن مملکت به دوران تک حزبی بود و تمام نمایندگان مجلس و وزیران عضو این حزب، تابع رضاشاه و به دبیراوسی تیمورتاش. اما با طرد و قتل تیمورتاش، این حزب نیز فراموش شد و دیگر نامی از حزب برده نشد و تا شهریور ۱۳۲۰ حزب بازی تعطیل شد. گروه آرائی نیز، که با

شنیده، اما دعوی اصلی در انتخابات دوره پنجم رخ داد که آنچه انگلیسها در کودتا کاشته بودند، در این زمان می بایستی درو می کردند. پس به قول ملک الشعرا اصلاح طلبها و سوسیالیستها هر دو رای داشتند، ولی (انتخابات) ایالات را وزارت جنگ برد؛ این گروه که برای حکومت سردار سپه آماده شده بودند ابتدا "دمکرات مستقل" سپس تجدید نام گرفتند و فراکسیون قوی و مستقلی شدند که گاه سوسیالیستها از آنها حمایت کردند، گاه اصلاح طلبان از وحشت تن به خواست آنها دادند.

مجلس پنجم ۲۲ بهمن ۱۳۰۲ افتتاح شد، و به ظاهر شش فراکسیون در مجلس پنجم فعالیت داشتند که عبارت بودند از: قیام،

کرده است. هر زمان که جمعی به دور هم گرد می‌آیند و گروهی تشکیل می‌دهند عده‌ای بلافاصله با باندبازی و رقیب‌بازی و انواع حیل‌های تشکیلاتی و شبه‌دموکراسی، سلطه‌گر می‌شوند و همه‌چیز را در انحصار خود درمی‌آورند و دیگران هم قبول سلطه می‌کنند و تمکین نموده و رضایت می‌دهند. از اینجا اختلافات و دعوای حزبی شروع می‌شود. جمعی که عمر و جوانی و انرژی زیادی صرف حزب کرده‌اند انشعاب می‌کنند و جمعی دیگر

● تحزب و فعالیت حزبی باید به عنوان ابزارهایی جهت آموزش مردم در جهت اداره امور خود و مشارکت دسته‌جمعی در سرنوشت جامعه تلقی شود و بعضی از سروصداها و بی‌نظمی‌های اولیه نیز تحمل گردد.

خسته از این دعوای بی‌سروصدا خود را کنار می‌کشند و حزب اگرچه یکپارچه بدست یک گروه سلطه‌گر می‌افتد اما اولاً "دیگران تحرک و جامعیت را ندارند و ثانیاً" حاکمیت چنین رویه‌هایی سبب ادامه این جنگ قدرت و دسته‌بازی تا رسیدن به مرحله انحلال و بی‌اثری می‌گردد. اکثر احزاب ایران که دچار مسائل داخلی شده‌اند گرفتار اثرات فرهنگ استبدادی بوده‌اند.

معدلک نباید نگرانی زیاد داشته باشیم. نیاز و ضرورت و عمل بهترین معلم و مربی افراد و اجتماعات است. قرن‌ها بلکه هزاران سال بود که اجداد و پدران ما و خود ما تا این اواخر عادت و علاقه داشتیم در چهار دیواری خانه‌های شخصی بصورت انفرادی زندگی کنیم

اما از سی چهل سال پیش، که با کثرت جمعیت تهران و افزایش قیمت زمین موضوع استفاده از ساختمانهای بلند چندطبقه، علیرغم استنفاف و اشکال خانواده‌ها پیش آمد، حالا می‌بینید که از هر کوی و برزن پایتخت (و بعضی از شهرهای بزرگ دیگر) عمارات ده بیست طبقه و مجتمع‌های مسکونی تا چند خانواری سبز شده همان افراد و خانوارها تن به زندگی در کنار یکدیگر داده، انضباط و مقررات زندگی آپارتمانی را همراه با همکاری و انتخاب هیئت مدیره و غیره پذیرفته‌اند.

در مورد احزاب نیز در مجموع و در طول زمان خوشبختانه تغییرات محسوس، در جهت سیر تکاملی، ولو ضعیف، وجود داشته است. حرکت‌های سیاسی - اجتماعی و تغییرات اساسی در ساختار اجتماعی، و همچنین تحول فرهنگی، تغییراتی در روابط میان مردم بوجود آورده است همانطور که عناصر فرهنگ استبدادی در روحمیات و خلیقیات مردم ما متحول می‌گردد و جای خود را به روح همکاری جمعی و تحمل عقاید دیگران می‌دهد و برای ادامه حیات خود بالاچار تمرین کارجمعی کرده و می‌کنیم، زمینه برای شکل‌های سیاسی و اجتماعی نیز به معنای واقعی خود فراهم شده و می‌شود.

باید دانست که پیدایش احزاب در جهان نیز یک پدیده جدید است و در کشور ما جدیدتر. ریشه پیدا کردن احزاب نیازمند زمان است باید زمینه‌های رشد احزاب را فراهم ساخت و سپس به تقویت آن پرداخت. خوشبختانه انقلاب اسلامی ایران تجربه‌های فراوانی از این همکاری‌های جمعی را ارائه داد و تغییرات مشهودی را بوجود آورد. باید از این زمینه‌ها حسن استفاده را بعمل آورد.

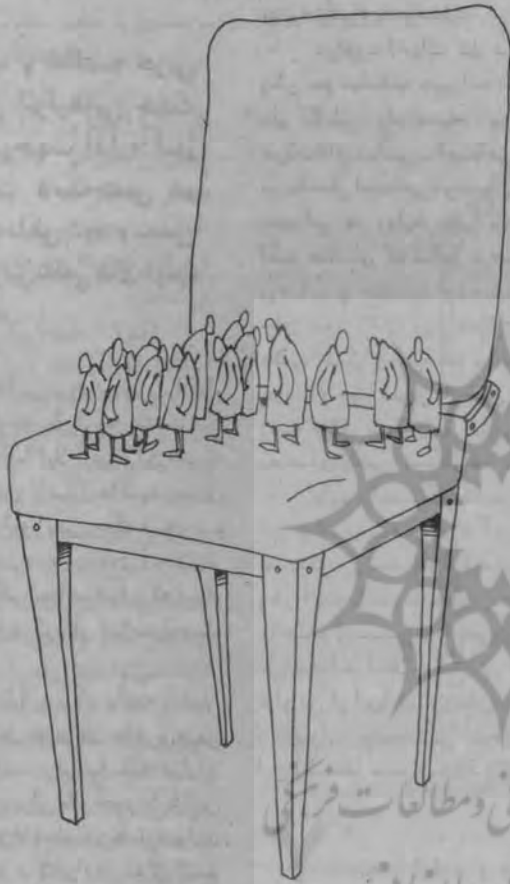
— نهضت آزادی و جمعیت دفاع از

- حزب جمهوری خلق مسلمان
- حزب جمهوریخواه ایران
- حزب خلق
- حزب دانشناکسوتیون آرامنه
- حزب دموکرات
- حزب دموکرات کردستان
- حزب دموکرات تبریز
- حزب دموکرات رضائیه
- حزب دموکرات فارس
- حزب دموکرات مشهد
- حزب دموکرات عامیون
- حزب دموکرات ملی
- حزب دهقان
- حزب جنگل
- حزب رادیکال سوسیالیست
- حزب رستاخیز انسانی ملت ایران (راما)
- حزب رستاخیز ملی ایران
- حزب رنجبران
- حزب زحمتکشان
- حزب سوسیالیست
- حزب سوسیالیست اونقیه یا اجتماعیون
- حزب عدالت
- حزب کارگران سوسیالیست
- حزب کمونیست
- حزب کمونیست ایران
- حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران
- حزب مستبد
- حزب مشروطه‌خواه
- حزب مردم
- حزب مردم ایران
- حزب ملت ایران
- حزب ملل اسلامی
- حزب ملبون
- حزب میهن‌دوستان
- حزب ناسیونال دموکرات
- حزب نبرد ایران

حاکمه را به وحشت انداخت. احزاب عدالت و اراده ملی که توسط رجال دست‌راستی به وجود آمد، در جهت مقابله با حزب توده بود. و می‌توان گفت از آن پس، هر حزبی در ایران به وجود آمد، آشکارا یا پنهان به قصد محدود کردن دامنه فعالیت حزب توده به وجود آمده بود. کاری را که حزب عدالت و اراده ملی سیدضیا نتوانست انجام دهد در سال ۱۳۲۵ حزب دمکرات قوام السلطنه، به شکل دیگری انجام داد. در آن زمان مظفر فیروز مشاور چپ‌گرای قوام السلطنه حزب دمکرات ایران را بی‌ریخت که درحقیقت مقابله وی با "فرقه دمکرات آذربایجان" و "فرقه دمکرات کردستان" بود که توسط پیشه‌وری و برادران قاضی ایجاد شده و با حمایت ارتش

را داشت. هرچه حزب ایران در جذب متخصصان و روشنفکران موفق بود و بصورت گروهی و دمکراتیک اداره می‌شد، حزب مظفر بقاشی، قائم به شخص او بود. مرداد ۱۳۲۸ ماه داغ و پرتحرکی در صحنه سیاسی ایران بود. مجلس پانزدهم با نطق طولانی مکی، بی‌آن که به قرارداد گس - گلشائیان رای بدهد پایان گرفته بود. مکی، حائری‌زاده، مظفر بقاشی، عبدالقدیر آزاد (اقلیت آن مجلس) معروفیتی به دست آورده، همراه با دکتر مصدق فعالیت داشتند. این فعالیت، در لحظاتی حزب توده را در فشار گذاشته بود، گرچه آن‌حزب به یاری تشکیلات خود رشد می‌کرد. صف‌آرایی نیروهای چپ، ملی و ارتجاعی

آزادی و حاکمیت ملت ایران هیچ‌گاه ادعا و انتظار نداشته‌اند. یک‌تنه و در کوتاه‌مدت با عدم آمادگی‌های اجتماعی و عدم تمایل دولت، برنامه‌های را در صحنه سیاسی ایران به اجرا درآورد. فقط برنامه‌های شخصی و سطحی و محدود است که با پشتیبانی دولت‌های خارجی یا داخلی در مدتهای کم انجام پذیر می‌شود. مبدلک چنین هم نیست که نهضت آزادی فعالیت پیگیر و موفقیت نسبی نداشته و برنامه‌هایی را در صحنه ملت و در صحنه سیاست اجرا نکرده باشد. همینکه بشکر خدا و علیرغم دشمنی‌ها و کارشکنی‌های دستگاه شاهنشاهی و حاکمیت استبداد پارتی‌مآند و توانسته‌ایم به ملت نشان دهیم که یک حزب یا جمعیت می‌تواند امیدواری و همکاری خود را حفظ کند، به اتکای خدا و قانون و صداقت مبارزه کند، لاقط حرف حق خود را بزند، این خود برنامه بی‌ارزش و بی‌خاصیت برای درازمدت نیست. علاوه بر این در سال اول انقلاب و استقرار جمهوری، علیرغم حملات و اتهاماتی که وارد می‌کنند دولت موقت خدمات عمده‌ای به لحاظ انتقال نظام استبدادی به جمهوری و ارائه مدیریت و مباشرت مملکت برای آزادی، آبادی و استقلال انجام داد. در دوران نظام جمهوری اسلامی نیز فکر می‌کنیم خواسته‌ها و گفته‌ها و نوشته‌های ما و ایستادگی در برابر زور و آزار و تهدید و انحراف خالی از تاثیر و تحریک در میان دولت و ملت نبوده است. جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران نیز با وجود عمر کوتاه دو سال و نیم خود در محیط خفقان و یاس و ترس و بی‌تفاوتی توفیق اجرا یا لاقط ارائه اثبات برنامه‌ها و ارزشهایی را داشته است. امیدواریم آنچه کرده‌ایم و انشاءالله خواهیم کرد مقبول درگاه حق و مقید و موثر در ملت باشد.



شکوه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
سال جامع علوم انسانی

در انتخابات دوره شانزدهم که با نخستین انتخابات مجلس سنا همزمان بود، با حضور روزنامه‌های متعددی که فضای سیاسی را داغ نگه داشتند به تاسیس جبهه ملی انجامید. آیت‌الله کاشانی، پس از بازگشت از تبعید با استقبال ملی‌گرایان روبرو شد. او نیز با جبهه ملی همگام شد.

در جبهه ملی، همه شخصیت‌ها و احزاب آزادیخواه و مدبران روزنامه‌های ملی عضویت گرفتند. به این ترتیب ملی‌گرایان برای نخستین بار در مقابل جناح چپ (حزب توده) و احزاب و اشخاص وابسته به دربار و سیاست خارجی جبهه‌های ساختند که صدق را به نخست‌وزیری رساند. بزودی "مسلمانان مبارز" با عنوان جمعیت و نه حزب، توسط شمس قنات‌آبادی و

حزب توده "نیروی سوم" را به وجود آوردند که جای زحمتکشان را در ماههای آخر دولت مصدق، پر کرده بود. درحالی که ایشعایی از حزب پان‌ایرانیزم، با نام حزب ملت ایران بر بنیاد پان‌ایرانیزم که توسط داریوش فروهر رهبری می‌شد، نیز در تظاهرات و زدوخوردهای خیابانی قابلیت‌هایی از خود نشان می‌داد. گریم آنان به آن شدت که پان‌ایرانیزم به رهبری محسن پزشکیور و سومکا (مخفف سوسیالیسم ملی کارگران ایران) به رهبری داود منشی‌زاده همتلری معروف، به موسسات حزب توده حمله می‌بردند و با اعضای آن حزب دشمنی داشتند، با توده‌ایها درگیر نبود. درکنار این سه حزب ناسیونالیست، حزب آریا نیز با اونیفورم و حرکات نازی‌وار خود، به

سیدمصطفی کاشانی (فرزند آیت‌الله) ایجاد شد که در ابتدا همسویا جبهه ملی عمل می‌کرد. اما در تظاهرات هاو میتینگ‌ها زدوخوردهای خیابانی تنها بخشی از جبهه ملی که باری مقاومت در برابر حزب توده را داشت، حزب زحمتکشان بود که پان‌ایرانیزم را نیز گاه درکنار داشت و بسیاری از قلدران محلات پرجمعیت تهران را با خود همراه کرده بود. بزودی حزب زحمتکشان، توسط یک گروه تئورسین و پرشور از انشعابون حزب توده (به سرکردگی خلیل مکی) تقویت شد و روزنامه شاهد ارگان حزب زحمتکشان با مقالات تئوریک و ادبی خلیل مکی و جلال آل‌احمد و دیگران شکل گرفت. اما این ائتلاف به دلیل خودرایی بقائی به جایی نرسید. انشعابون

هدتها باید به روش جبهه‌ای کار کرد

پاسخ لطف الله میثمی

اصولاً "بیدایش قانون احزاب و تصویب آن در سال ۶۰ در مجلس شورای اسلامی ناشی از قدرت و فشار قانون اساسی بوده که این قانون ثمره انقلاب و خون شهدا و مینای وحدت نیروهای مختلف در ایران می‌باشد و لذا از این دیدگاه قانون خوبی است و محدودیت‌های آن هم ناشی از وقایعی است که قبل و در جریان تصویب این قانون اتفاق افتاد نظیر نتایج تلخی که در گنبد و کردستان و خوزستان و آذربایجان گذشت که مردم و نمایندگان را نسبت به گروهها بدبین نمود و واژه گروهک متولد شد، درگیریهای خیابانی ۳۰ خرداد و انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی و انقحار نخست‌وزیری، بهر حال قانون اساسی را بایستی پاسداری کرد و در احیای آن کوشید، بنظر من در شرایطی که روابط حاکم بر ضوابط است هر گزایشی به روح قانون که میثاق وحدت پس از انقلاب بود مترقی و موجب ثبات در

مملکت است. در مورد نظام چند حزبی و یا تک حزبی باید گفت از آنجا که بشر فطرتاً به حقیقت و الله و یک نظم و قانون واحد معتقد است و مایل است که به یک ملت منسجم و یک حزب واحد برسد لذا حزب واحد ایده آل بشر است. نیروهای انقلابی جهان نیز در جهت بین‌المللی کردن یک حزب تلاشهای زیادی نموده‌اند ولی صحبت از تحقق آن در ایران است کشوری استعمارزده و مملو از ایادی مرموز که چهارراه بینشها و فلسفه‌های مختلف نیز هست و تنها راه رسیدن به وحدت این است که به لحاظ تشکیلاتی تا مدت‌ها به روش جبهه‌ای کار کرد تا مفاهیم و برداشتها به هم نزدیک گشته و شناخت از یکدیگر حاصل گردد و زمینه‌ای برای یک حزب واحد با یک ایدئولوژی واحد فراهم شود. در شرایط فعلی، حزب الله هم متوجه شده که بینش واحدی حتی در درون روحانیت وجود ندارد مرحوم مصدق معتقد بود در کشوری استعمارزده چون ایران اگر یک حزب واحدی بوجود آید ایادی مرموز بعلت

رهبری سپهری سروصدایی داشت.

این احزاب متخصص درگیریهای خیابانی بودند و افرادی مخصوص همین کار داشتند. در حالی که احزابی چون حزب مردم ایران و حزب ایران خود را آلوده به تظاهرات خیابانی نمی‌کردند. داغ شدن حزب بازی و روزنامه‌داری در پایان دهه ۲۰ تا آنجا رفته بود که ملکه اعتضادی یکی از چهره‌های مشهور خیابان‌ها نیز حزبی با نام ذوالفقار ایجاد کرده بود. بسیاری از افراد نیز زیر نام جمعیت فعالیت داشتند و از دادن عنوان حزب به خود پرهیز می‌کردند. از آن جمله انور خامه‌ای - عضو انشعابی حزب توده - که جمعیت‌رهای کار و اندیشه را بنیاد گذاشته بود. قبلاً جمعیت مراقبت از آزادی انتخابات که بقای

ایجاد کرده بود، در انتخابات دوره شانزدهم اثر گذاشت. اما در این کار نیز حزب توده پیشرو بود، ۱۵ جمعیت که توسط این حزب ایجاد شده بود، راهمایی بود تا کسانی را که از عضویت در حزب ابا داشتند، به آن متصل کند. بعضی از این جمعیت‌ها عبارت بودند از هواداران صلح، مبارزه با استعمار، کانون جوانان دمکرات، مستاجرین، سازمان زنان ایران، حقوقدانان دمکرات، مبارزه با بی‌سوادی، کمک به دهقانان، حمایت کودکان، آزادی ایران و...

در سال ۳۱ که اوج نهضت ملی کردن نفت بود، احزاب یکی یکی چندبخش می‌شدند. حوادث تند، همسوئی و اتحاد را مجال نمی‌داد. از جمله حزب ایران بزرگترین متحد

- حزب نیروی ملت
- حزب وحدت ملی کردستان
- حزب وطن
- حزب همراهان
- حزب هچاکیان (زنگ)
- دانشجویان مبارز
- راه کارگر
- راه فدایی
- رزمندگان آزادی طبقه کارگر
- سازمان اسلامی شورا (ساش)
- سازمان اتحاد مبارزه در راه طبقه کارگر
- سازمان انقلابی جمهوری اسلامی (ساتحا)
- سازمان انقلابی زحمتکشان ایران
- سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران
- سازمان انقلابیون کمونیست (م. ل.) (گومله)
- سازمان تروتسکیست‌ها
- سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
- سازمان جاوید آرمان خلق
- سازمان جوانان مجاهدین علی‌اکبر (ع)
- سازمان جنبش نوین رهایی بخش خلق‌های
- سازمان چریکهای اتحاد مثلث ایران
- سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
- سازمان حجاز
- سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
- سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت معروف به اصولیها)
- سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران (اقلیت)
- سازمان فجر
- سازمان کارگر
- سازمان مجاهدین الله
- سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی (مرکب از
- سازمان مجاهدین خلق ایران هفت گروه)
- سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان
- سازمان مبارزه برای ایجاد جنبش مستقل
- سازمان ملی دانشگاهیان ایران
- سازمان مبارزین پیشرو

جبهه ملی که نخسب و رازی از آن جدا شدند و حزب اسلامی (سوسیالیست‌های خدایرست) را ایجاد کردند که عملاً "کادر جوان حزب ایران را به خود جذب کردند.

حزب توده با آن که از سال ۱۳۲۷ منحل شده بود در دولت دکتر مصدق فعالیت آزاد داشت. با دهها روزنامه و در همین فاصله توانست یک سازمان مخفی و یک سازمان نظامی نیز به وجود آورد. این نخستین بار بود که حزبی در ارتش رسوخ می‌کرد. بعد از کودتای ۲۸ مرداد تا ۲۰ ماهی ممانعت با احزاب و گروهها ادامه داشت. اما پس از آن که قانون تاسیس کسرسرپوم به تصویب رسید و جای امریکایی‌ها تثبیت شد، یورش فرمانداری نظامی و بعداً "سازمان اطلاعات و امنیت کشور ابتدا

بیبندشان با شبکه‌های اطلاعاتی جهانی
سریعا در آن رشد کرده و در راس حزب قرار
می‌گیرند، با همین استدلال بود که با یک‌حزبی
مخالف و با الگوی جبهه‌ای موافق بود.

۲: چه قانون احزاب اجرا شود و چه
نشود بستگی به جوهره و انسجام خود احزاب
و گروهها دارد. در هر شرایطی اگر احزاب،
منطق پاک و عمل صالحی ارائه دهند فراگیر
خواهند شد. البته در شرایط آزادی احزاب
و گروهها، این فراگیری سریعتر انجام می‌شود.
اگر هم حرفی برای زدن و عمل صالح و رهگشایی
نداشته باشیم این آزادی موجب عدم انسجام
و انزوای بیشتر گروهها خواهد شد. در صورت
آزادی احزاب این احساس رشد خواهد کرد
که اکثر مردم در حاکمیت شریک می‌شوند چرا
که نظراتشان از رسانه‌ها منعکس می‌گردد و
بدین لحاظ روی بافت سیاسی ایران تأثیر
می‌گذارد.

۳: سؤال شما براساس فرض غیر فعال
بودن احزاب قبل از پیروزی انقلاب اسلامی
قرار دارد که به نظر من چنین نبوده است.
پس از کودتای ۲۸ مرداد احزاب و گروهها
وجود داشتند ولی فعالیتشان مخفی و گاهی
علنی بود و با استمرارشان در فعالیت تدریجا
خود را در بین مردم تثبیت نمودند نظیر
نهضت مقاومت ملی، نهضت آزادی، جبهه
ملی، حزب اسلامی ملل، مؤتلفه، سازمان
مجاهدین و گروههای غیرمذهبی. به نظر
می‌رسد این بار هم احزاب و هم مدیریت نظام
پخته‌تر عمل کنند. مسئولین نیز در هر موردی
حساب‌شده‌تر اظهارنظر نمایند چرا که
سخنانشان موشکافی و نقد و بررسی خواهد

به حزب توده، و پس از آن به حزبها و
جمعیت‌های دیگر آغاز شد. در این میانه
جبهه ملی نیز از هم پاشید. اما نهضت مقاومت
ایران شکل گرفت و جبهه ملی دوم تاسیس
شد. اما به تدریج احزاب تشکیل‌دهنده جبهه
ملی از صحنه محو شدند. پان ایرانیزم به
رهبری محسن پریشکورتنهازبی بود که فعالیت
داشت و روزنامه خاک و خون را منتشر می‌کرد.
خفقان تا ۸ سال تاب آورد. ۸ سال بعد
اسدالله علم و منوچهر اقبال که هر دو از
وابستگان دربار بودند حزب مردم و حزب
ملیون را ایجاد کردند. دکتر امینی با کمک
حسن ارسنجانی و محمد درخشش "منفردین"
را ایجاد کرد. که سومین نیروی در صحنه بود.
با روی کار آمدن امینی، جبهه ملی دوم و

است. ارائه این تئوری تضمینی است برای
برخورد فعالتر مردم با قانون احزاب.

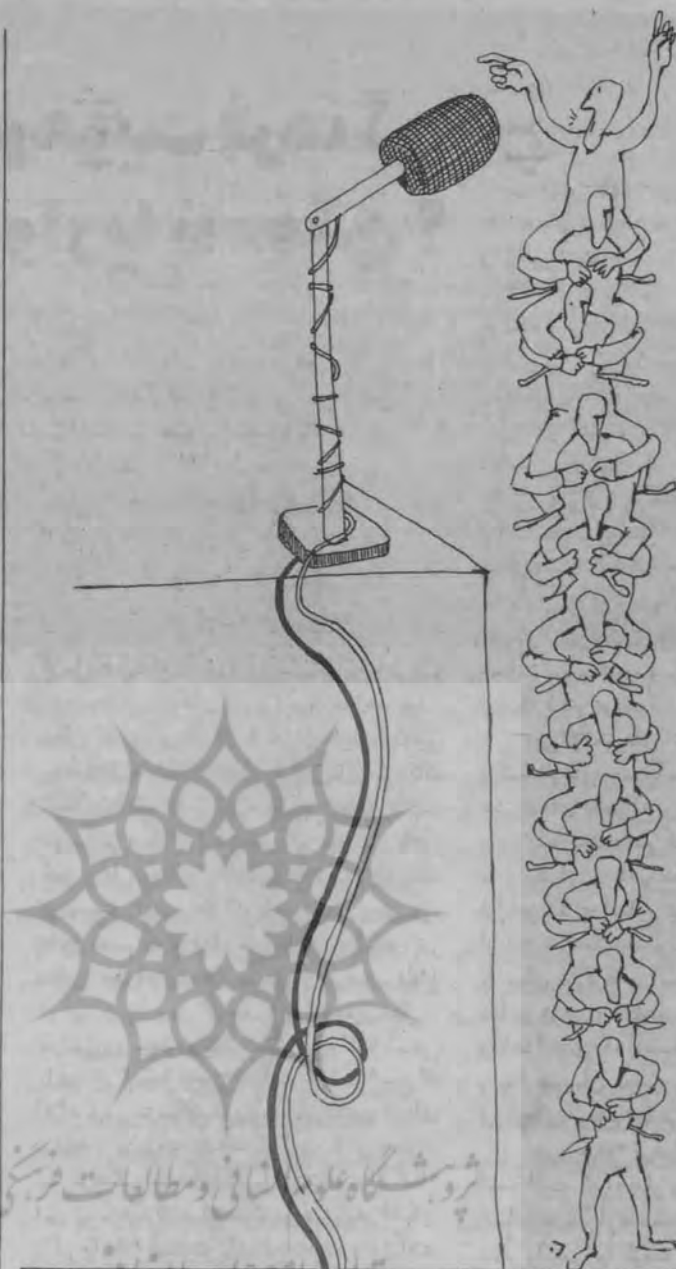
۴: وزارت کشور بایستی احزاب و گروهها
را چه در شرایط صلح و چه در شرایط جنگ و
بحران در جریان مصلحت انقلاب و نظام قرار
دهد و آنها را آزاد بگذارد باشد که از این
طریق از استعدادها ی سیاسی - ایدئولوژیک
جامعه در حل بسیاری از معضلات کمک گرفته
شود. از نظر امکاناتی نیز بایستی وزارت کشور
زمینه‌های اظهار نظر صاحبان را در رسانه‌های
عمومی نظیر رادیو، تلویزیون و مطبوعات
کثیرالانتشار فراهم آورد.

۵: مدیریت نظام، اقدام اخیر را در
جهت تحقق قانون اساسی و همچنین قانون
احزاب مصوب شهریور ۳۰ می‌داند و علت
تاخیر در اجرا را ضرورت جنگ اعلام نموده
است. بنظر می‌رسد که دلیل فوق دیدگاه
خوبی نسبت به احزاب نباشد چرا که وجود
احزاب و گروهها در شرایط بحرانی یا جنگ
کارسازتر است و جامعه را متعادلتر و باثبات‌تر
می‌نماید. اگر به مسئله احزاب با دیده مشورتی
نظر افکنده شود دیگر ضرورتی برای تعطیل
آنها در شرایط جنگ وجود نخواهد داشت.
علاوه بر این در شرایط فعلی بظاهر جنگ تمام
شده درحالی که بحرانی بدتر از جنگ وجود
دارد. بحران صلح مسلح، بحران نه جنگ نه
صلح، حال در چنین شرایطی اجرای قانون
احزاب یا منطق تعطیل احزاب در شرایط
بحرانی "همخوانی ندارد. مدیریت نظام
جمهوری اسلامی بایستی تئوری معرفتی خود
را در مورد آزادیها مطرح نماید تا معلوم گردد
که اجرای قانون احزاب ذاتی نظام بوده یا
ناشی از ضرورت‌های موقتی داخلی و خارجی

۶: سؤال فوق کلی بوده و بدون توجه
به تک‌تک مخاطبین تهیه شده است. در سؤال
مشخص نشده که منظور از عدم توفیق در اجرای
برنامه‌ها چه مواردی بوده است.

ولی احزاب ملل اسلامی، چریک‌های فدائی
خلق و مجاهدین خلق به عنوان سازمانهای
مسلح مخفی شکل گرفته و هرکدام دست به
عملیاتی در ترور شخصیت‌های وابسته به رژیم
زدند. در زمان نخست‌وزیری بختیار دوباره
احزاب سیاسی شکل گرفتند از جمله جبهه ملی
(سوم) و نهضت آزادی. اولی دکتر سنجابی
و دومی مهندس بازرگان را در راس داشتند.
در این میانه حزب توده ایران نیز به دبیرکلی
(کیانوری) در خارج تشکیل داد.
با پیروزی انقلاب، نهضت آزادی که
رهبرش به عنوان نخستین نخست‌وزیر جمهوری
اسلامی برگزیده شده بود، جبهه ملی که دکتر
سنجابی رهبرش وزارت خارجه را عهده‌دار

سازمان وحدت کمونیستی
 ستاره سرخ
 سپند (هوادار اتحاد مبارزه در راه آرمان
 طبقه کارگر)
 شفق سرخ
 شورای اتحادیه‌های رنجبران ایران
 فداییان اسلام
 فرقه ترقی و تمدن تام یا خیال خام برای
 فرقه دموکرات آذربایجان فریب عوام
 فرقه دموکرات کردستان
 فرقه کمونیست ایران
 کانون ابلاغ اندیشه‌های شریعتی
 کانون زندانیان دوره استبداد
 کانون زرتشتیان
 کانون مستقل معلمان
 کمونیست‌های مستقل ایران
 کمیته زرتشتیان ایران
 کمیته نبرد کارگران ارامنه
 گروه آزادی و برابری
 گروه احمدزاده
 گروه اتحاد کمونیستی
 گروه انقلابی ابوذر
 گروه انقلابیون مارکسیست - لنینیست
 (بیکار خلق)
 گروه بشارت
 گروه پیشرو
 گروه جریان
 گروه جنگل
 گروه سه‌شنبه
 گروه صدای معاصر
 گروه عدالت‌خواهان
 گروه فلسطین
 گروه کار
 گروه مبارز
 گروه مبارزه برای آزادی طبقه کارگر
 گروه محمد چوپانزاده
 گروه منشعب از حزب توده ایران
 گروه میهن پرستان
 گروه نبرد برای رهایی طبقه کارگر
 گروه یاران حیدر عموآوغلی
 مبارزان راه طبقه کارگر
 مبارزین آزادی طبقه کارگر
 مبارزین راه اتحاد حزب طبقه کارگر
 (متحد خلق)
 مجمع ادب
 محفل مارکسیستی آزادی کارگر
 منشعبین سازمان رزمندگان ایران
 نبرد
 نبرد برای رهایی طبقه کارگر
 ندای کارگر
 نهضت آزادی
 نهضت مجاهدین خلق ایران (میثم)
 نهضت مقاومت ملی
 نیروی سوم و سوسیالیسم
 همراهان سوسیالیست
 هیئت‌های مؤتلفه اسلامی



برخی از سازمان‌های سیاسی دیگر گسترش یافت. علاوه بر اینها، گروه‌های مسلح و زیرزمینی دوران شاه نیز به صحنه آمده و فعالیت سیاسی آغاز کرده بودند: فدائیان اسلام، چریک‌های فدائی و مجاهدین خلق. پس از انقلاب، دو حزب اسلامی نیز به وجود آمدند: حزب جمهوری اسلامی به رهبری دکتر بهشتی، حجت‌الاسلام‌خامنه‌ای و حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، و حزب خلق مسلمان با حمایت شرعتمدار. با تعطیل حزب جمهوری اسلامی در سال ۱۳۶۵، تنها حزب و گروهی که فعالیتهای نسبی سیاسی داشت نهضت آزادی بود.

شده بود، حزب ملت ایران که رهبرش داریوش فروهر وزارت کار دولت موقت را عهده‌دار بود و جاما که دکتر کاظم سامی دبیرکلش وزارت بهداشتی را به عهده گرفته بود، و حزب توده و حزب زحمتکشان در صحنه ماندند و بقیه احزابی که در چندماه آخر رژیم سلطنتی به وجود آمده بودند، یکی یکی از صحنه محو شدند. از جبهه ملی، حزب ایران که عضوی از آن (شاپور بختیار) در آخرین ماه سلطنت شاه نخست‌وزیری را پذیرفته و از آن جبهه اخراج شده بود به دبیری ابوالفضل قاسمی فعالیت اندکی داشت. اما از جهت دیگر جبهه دمکراتیک ملی (به رهبری هدایت متین‌دفتری نوه دکتر مصدق) که در اولین ماه‌های پس از انقلاب شکل گرفته بود با پذیرش